

زمازندران شهر مایه باد...

فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران
آداب و رسوم، باورها و موسیقی بومی مازندرانی

مصطفی انصاری



Marandaran

فرهنگ هر جامعه‌ای، بیانگر هویت و ارزش‌های خاص آن جامعه و عامل انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی است، پژوهش و تحقیق پیرامون فرهنگ اصیل مردم مازندران که در تار و پود اعتقادات، آداب و رسوم، باورها، افسانه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها و ... یافت می‌شود، ضرورتی است انکارناپذیر که درک آن، دوستداران و شیفتگان حفظ این میراث اصیل و ارزشمند فرهنگی را بر آن می‌دارد تا هر یک به سهم خویش، متناسب با توش و توان خود، گامی در جهت مکتوب‌نمودن و حفظ این آثار ارزشمند به‌جامانده بردارند.

اصالت و ارزش والای فرهنگ مردم این مرز و بوم از یک سو و عدم وجود آثار مکتوب قابل توجه و کافی در مورد فولکلور یا ادبیات شفاهی از سوی دیگر، انگیزه‌ای بود تا پس از نوشتن کتاب «فرهنگ ضرب‌المثل‌های مازندرانی» به تألیف این کتاب یا عنوان «ز مازندران شهر ما یاد باد...» پردازم.

انتشارات شلفین

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۰-۱۸۶-۶



کتابخانه شخصی اوست

به نام خداوند جان و خرد



ز مازندران شهر ما یاد باد ...

**فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران
آداب و رسوم، باورها و موسیقی بومی مازندرانی**

ز مازندران شهر ما یاد باد ...

فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران

مصطفی انصاری

❖ انتشارات شلفین

❖ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

❖ نوبت و سال چاپ: نخست - ۱۳۹۳

❖ ویراستار: بهزاد انصاری

❖ طرح جلد: هدیه بهرام پرور

❖ قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرشناسه:	انصاری، مصطفی / ۱۳۳۵.
عنوان و نام پدیدآور:	ز مازندران شهر ما یاد باد: فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران
	آداب و رسوم، باورها و موسیقی بومی مازندرانی / مصطفی انصاری.
مشخصات نشر:	ساری، شلفین، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	۱۸۶ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۱۰۰-۱۸۶-۶
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
کتابنامه:	کتابنامه ۲۰۷
موضوع:	فرهنگ عامه -- ایران -- مازندران موسیقی محلی ایرانی -- مازندران
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ ۸ الف ۲ م / ۲۹۱ GR
رده‌بندی دیویی:	۲۰۹۵۵۲۲/۳۹۸
شماره کتابشناسی ملی:	۲۴۸۱۹۳۶

❖ مازندران - ساری

تلفن: ۳۳۳۲۱۴۲۷ - ۰۱۱

❖ همراه مؤلف: ۰۹۳۵۵۱۷۴۱۶۷

تلفن: ۳۳۳۹۱۲۴۱ - ۰۱۱

ز مازندران شهر ما یاد باد ...

فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران
آداب و رسوم، باورها و موسیقی بومی مازندرانی

مصطفی انصاری

انتشارات شلفین

تقدیم به :

مردم خوب و صمیمی مازندران

فهرست مطالب

مقدمه ۱۵

اشاره ۲۱

مازندران ۲۱

نگاهی به جغرافیای طبیعی استان مازندران ۲۲

پیش‌گفتار ۲۳

واژه مازندران و دیدگاه‌های متفاوت؟! ۲۳

سابقه تاریخی سکونت در استان مازندران ۲۵

گویش مازندرانی ۲۶

گویش‌های کجور ۲۶

فصل اول

نگاهی به پیشینه نژادی مردم مازندران ۳۱

کاس‌ها (کاسپی‌ها و کاسی‌ها) ۳۳

ریشه و نژاد بومیان مازندران ۳۷

شباهت زندگی این انسان‌ها با مردم جنوب فرانسه ۴۰

فصل دوم

فرهنگ و ادبیات شفاهی (فولکلور).....	۴۳
ادبیات شفاهی.....	۴۵
ارزش و اهمیت ادبیات شفاهی.....	۴۶
ضرورت گردآوری ادبیات شفاهی.....	۴۷
نیم‌نگاهی به موضوع و ساختار افسانه‌های مازندرانی.....	۴۹
چیستان‌های مازندرانی.....	۵۳
تعدادی از چیستان‌های مازندرانی.....	۵۴
پاسخ چیستان‌ها.....	۵۸

فصل سوم

آداب و رسوم مردم مازندران.....	۶۳
نگاهی به عید نوروز در سوادکوه.....	۶۳
چهارشنبه‌سوری.....	۶۴
آش آخرین چهارشنبه.....	۶۴
خوردنی‌های عید.....	۶۵
حاجی فیروز.....	۶۷
نوروزخوانی.....	۶۷
پلوی شب عید و سکه‌های ۵۰ دیناری.....	۷۱
سفره هفت‌سین.....	۷۲
مارمه (مادرمه).....	۷۲
شلیک گلوله هنگام تحویل سال.....	۷۳

۷۳.....	«سوشو»ی شب عید
۷۴.....	عید دیدنی
۷۴.....	مرغنه جنگی (جنگ تخم مرغ‌ها)
۷۵.....	سیزده بدر و انتخاب همسر آینده
۷۶.....	پاره‌ای از اعتقادات مردم در مورد عید نوروز
۷۷.....	گاه‌شماری تبری
۷۷.....	تیرماه سیزه (TIREMA SIZZ)
۷۷.....	جشن تیرگان
۸۲.....	جشن بیست و شش عیدماه در بابل
۸۴.....	مراسم باران بس
۸۵.....	آیین‌ها و مراسم آلاشت سوادکوه
۸۷.....	سوگندها و دعاها
۸۷.....	سوگندها
۹۰.....	طب عوام
۹۳.....	بازی‌های مردم مازندران
۹۹.....	سرگرمی‌های دیگر مردم مازندران

فصل چهارم

۱۰۳.....	باورهای مردم مازندران
۱۱۸.....	باورهای مردم ساری
۱۲۸.....	باورهای هواشناسی مردم آمل
۱۳۲.....	باورهای مردم آلاشت

- ۱۳۷..... باورهای مردم کندلوس
- ۱۴۰..... باورهای مردم ایزده (ایزدشهر)
- ۱۴۴..... باورهای مردم اسرم
- ۱۴۶..... باورهای مردم کتی یا (دیار بریادمانده)
- ۱۴۶..... باورهای عامیانه مردم کلاردشت

فصل پنجم..... ۱۵۱

- ۱۵۳..... موسیقی بومی مردم مازندران (شعر و ترانه‌های مازندرانی)
- ۱۵۵..... موسیقی مازندران
- ۱۵۵..... الف: موسیقی آوازی
- ۱۵۵..... ب: تصنیف‌ها
- ۱۵۵..... ج: موسیقی آیینی
- ۱۵۶..... د: موسیقی سازی
- ۱۵۶..... آهنگ‌های ویژه سرنا
- ۱۵۷..... هـ: موسیقی گوداری (GŪDĀRI)
- ۱۵۷..... سازهای مازندران
- ۱۵۷..... سازهای آیینی
- ۱۵۷..... موسیقی آوازی مازندران
- ۱۵۷..... کتولی (KATŪLI)
- ۱۵۹..... کله‌حال
- ۱۶۰..... آواز امیری «طوری/تبری» (TAVARI / TABARI)
- ۱۶۱..... نجما (NAJMA)

۱۶۲.....	صنم (SANEM)
۱۶۳.....	چاروداری (ČĀRVEDĀRI)
۱۶۳.....	تصنیف‌های مازندرانی
۱۶۵.....	آق‌ننه (ĀQNANE)
۱۶۶.....	طالب یا طالبا
۱۶۷.....	موسیقی آیینی
۱۶۷.....	نوروزخونی (نوروزخوانی)
۱۶۷.....	چاووش‌خونی (چاووش‌خوانی)
۱۶۸.....	نوازش (نوازش، موری)
۱۶۹.....	موسیقی سازی
۱۶۹.....	غریبی (QARIBI)
۱۷۰.....	میشی‌حال (MIŠI HĀL)
۱۷۰.....	دنباله میشی‌حال
۱۷۱.....	کیجا کرچال یا گرچال (KIJĀ KARČĀL)
۱۷۲.....	جلوداری (JELODĀRI)
۱۷۲.....	عباس‌خونی (عباس‌خوانی)
۱۷۳.....	سماع‌حال (SEMAĒ HĀL)
۱۷۳.....	زاری (ZĀRI)
۱۷۵.....	کمرسری (KAMERSARI)
۱۷۶.....	دختر عموجان (گله را بردند)

سراینده‌ای این غزل ساز کرد
دف و چنگ و نی را هم آواز کرد
ز مازندران شهر ما یاد باد
همیشه بر و بومش آباد باد
«فردوسی»

مقدمه

اصالت و ارزش والای فرهنگ مردم این مرزوبوم از یک سو و عدم وجود آثار مکتوب قابل توجه و کافی در مورد فولکلور یا ادبیات شفاهی از سوی دیگر، انگیزه‌ای بود تا پس از نوشتن کتاب «فرهنگ ضرب‌المثل‌های مازندرانی» به تألیف این کتاب با عنوان «ز مازندران شهر ما یاد باد...» پردازم.

با توجه به این نکته بسیار مهم و ضروری که فرهنگ هر جامعه‌ای، بیانگر هویت و ارزش‌های خاص آن جامعه و عامل انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی است، پژوهش و تحقیق پیرامون فرهنگ اصیل مردم مازندران که در تار و پود اعتقادات، آداب و رسوم، باورها، افسانه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها و ... یافت می‌شود، ضرورتی است انکارناپذیر که درک آن، دوستداران و شیفتگان حفظ این میراث اصیل و ارزشمند فرهنگی را بر آن می‌دارد تا هر یک به سهم خویش، متناسب با توش و توان خود، گامی در جهت مکتوب‌نمودن و حفظ این آثار ارزشمند به‌جامانده بردارند.

در غیر این صورت، بدیهی است که با توجه به تحولات پرشتاب اجتماعی و فرهنگی، به خصوص در زمینه ارتباطات سهل و ساده فرهنگ‌های گوناگون، ادبیات شفاهی و عامه‌ما که طی قرون و اعصار، به طور شفاهی و سینه به سینه، از فردی به فرد دیگر و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و به ما رسیده است، به تدریج کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شده و معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد.

اما در ارتباط با این مرز و بوم همیشه سرسبز، چیزی که بیش از موارد دیگر، توجه هر مازندرانی را به خود جلب می‌کند، یکی آگاهی از وجه تسمیه مازندران و دیگری کسب اطلاع از پیشینه نژادی مردم مازندران است که در مورد آن‌ها باید گفت، با توجه به دیدگاه‌های متفاوتی که در این باره وجود دارد، بهترین راه حل را بیان تمام اظهار نظرهای موجودی که تا کنون درباره واژه مازندران و نژاد مردم مازندران یافته‌ام، تشخیص داده‌ام؛ هر چند شاید دیدگاه‌های دیگری نیز در منابعی دیگر وجود دارد که من از آن‌ها اطلاعی ندارم.

نکته دیگر اینکه علاوه بر مطالب موجود در این کتاب و کتاب‌های متعدد دیگر، گنجینه‌های غیرقابل تصویری از مباحث مربوط به فرهنگ عامه وجود دارد که نه تنها تا کنون جمع‌آوری نشده است؛ بلکه با درگذشت هر یک از افراد کهنسال این سرزمین، برای همیشه فراموش می‌شود.

دست‌یابی به گنجینه‌های ارزشمندی که به صورت بالقوه در اذهان مردم پاک و باصفای مردم مازندران وجود دارد، به نگرش و انگیزه‌ای متفاوت نیاز دارد تا بر اساس آن بتوان با طرحی گسترده و

فراگیر و از طریق گفت‌وگوهای رو در رو، به این ذخایر گرانبهای فرهنگی دست یافت...

مطالب موجود در این کتاب پس از اشاره کوتاهی به ویژگی‌های گوناگون مازندران و به‌خصوص ریشه‌واژه مازندران و سابقه سکونت در این استان، در پنج فصل آمده است که سرفصل‌های آن به ترتیب عبارتند از: «نگاهی به پیشینه نژادی مردم مازندران»، فرهنگ و ادبیات شفاهی یا فولکلور، «آداب و رسوم مردم مازندران» و «باورهای مردم مازندران» و «موسیقی سنتی مردم مازندران».

در فصل اول، پیشینه نژادی مردم مازندران مورد بحث قرار گرفته و در این ارتباط، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است که بسیار قابل توجه می‌باشد.

مباحث فصل دوم، تحت عناوینی مانند «ادبیات شفاهی»، «ارزش و اهمیت ادبیات شفاهی»، «ضرورت گردآوری ادبیات شفاهی»، «نیم‌نگاهی به موضوع و ساختار افسانه‌های مازندرانی» و... ارائه شده است.

آداب و رسوم مردم مازندران، فصل سوم را به خود اختصاص داده است. در این فصل، علاوه بر بیان ویژگی‌های خاص هر یک از آداب و رسوم، سوگندها، دعاها، طب عوام، بازی‌ها و سرگرمی‌های گوناگون مردم مازندران نیز آمده است.

فصل چهارم، در مورد باورهاست؛ چیزی که نقش بسیار تعیین‌کننده در پندار، گفتار و رفتار انسان دارد. با توجه به اینکه بعضی از باورها عمومیت دارد، ابتدا باورهای مردم مازندران و پس از

آن به ترتیب، باورهای مردم ساری، باورهای هواشناسی مردم آمل، باورهای مردم آلاشت، کندلوس، ایزده، اسرم وکتی یا ذکر شده است. آخرین فصل این کتاب در مورد موسیقی سنتی مردم مازندران است که در آن به وضوح می‌توان ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی مازندران را به‌خصوص در اشعار ترانه و تصنیف‌های مازندرانی مشاهده کرد.

«شعر و ترانه مازندرانی»، «موسیقی مازندران»، «موسیقی آوازی مازندران»، «تصنیف‌های مازندرانی»، «موسیقی آیینی» و «موسیقی سازی» از جمله عناوینی است که مطالب این فصل از کتاب را پیش روی شما خوانندگان عزیز قرار می‌دهند.

در پایان از دانش‌پژوهان و شیفتگان هویت و فرهنگ اصیل جوامع بشری تقاضا دارم تا با رهنمودهای خویش، زمینه را برای کاهش کاستی‌ها و معایب این مجموعه فراهم کنند.

مصطفی انصاری

پژوهشگر، مؤلف و مشاور در زمینه بهبود زندگی و طب کل‌نگر و مکمل

حروف آوا نگار (فونٹیک)

ژ	z̄	اَ	A
ث - س - ص	S	اِ	E
ش	s̄	اُ	O
ع	ē	آ	ā
غ - ق	Q	او	ū
ف	F	ای	i
ک	K	ب	b
گ	G	پ	p
ل	L	ت - ط	t
م	M	ج	j
ن	N	چ	ċ
و	V	ح - ه	h
ی	Y	خ	x
اَو	ow	د	d
ای	ey	ر	r
آی	ay	ذ - ز - ض - ظ	z

اشاره

مازندران

سرزمین سرسبز مازندران با وسعت ۲۳۸۲۱ کیلومترمربع، که ۱/۴ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد و جمعیتی بالغ بر ۲۹۳۸۹۱۴ نفر (بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵)، از شمال به دریای خزر، از شرق به استان گلستان، از جنوب به استان‌های سمنان، تهران و البرز و از غرب به استان گیلان محدود است.

استان مازندران با توجه به تنوع زیست‌محیطی و مطالعات باستان‌شناسی، از یکصد هزار سال پیش مورد توجه انسان‌های اولیه قرار گرفت. زندگی در غارها و استقرار اولیه در روستاها از دوران جدیدتر زندگی نیاکان، در این پهنه جغرافیایی است. این استان در هزاره سوم پیش از میلاد (۵ هزار سال پیش)، وارد دوران شهرنشینی شد و حیات اجتماعی، همچنان در این دیار با تمام ظرفیت‌های غنی فرهنگی ادامه دارد.

جاذبه‌های فرهنگی، مانند غارهای باستانی، قلعه‌ها و ... به همراه جاذبه‌های طبیعی، همچون تالاب‌ها، چشمه‌های معدنی، آبشارهای زیبا، جنگل، کوه و دشت و دریا با این دیار دیرپا، پیوندی جاودانه دارد. سلسله جبال البرز از یک سو و دریای خزر از سوی دیگر، زیباترین مناظر طبیعی را به وجود آورده است.

نگاهی به جغرافیای طبیعی استان مازندران

ناهمواری‌های استان مازندران را با توجه به شکل طبیعی آن می‌توان به سه ناحیه تقسیم کرد: ناحیه کوهستانی، ناحیه کوهپایه‌ای و ناحیه جلگه‌ای.

ناحیه کوهستانی: رشته‌کوه‌های البرز که بر اثر حرکات کوه‌زایی آلپی در دوره ترشیاری با جهت غربی - شرقی تشکیل شده، جلگه‌های ساحلی و کوهپایه‌ای مازندران را از قسمت داخلی ایران جدا کرده است.

ناحیه کوهپایه‌ای: ناحیه کوهپایه‌ای بین رشته‌کوه‌های البرز و جلگه‌های پست ساحلی مازندران واقع شده است. این ناحیه، از تپه‌های رسوبی و ناهمواری‌های کم‌ارتفاعی تشکیل شده که در اغلب نقاط به موازات ساحل و پوشیده از جنگل و مرتع است.

ناحیه جلگه‌ای: سرزمین‌های واقعی بین ساحل دریای مازندران و کوهپایه‌های شمالی البرز، از نوار جلگه‌ای وسیعی تشکیل شده است که پهنای آن در تمام نقاط یکسان نیست.

پیش‌گفتار

واژه‌های مازندران و دیدگاه‌های متفاوت!؟

در فرهنگ لغت فارسی، ماز به معنای پیچ و خم است و شاید مازندران را به خاطر داشتن نقاط کوهستانی صعب‌العبور زیاد به این نام خوانده‌اند. برخی نام مازندران را به خاطر دیواری به نام ماز می‌دانند که به دستور مازیار از جاجرم تا جیلان ساخته شد و این سرزمین را محدود می‌کرد. عده‌ای نیز آن را مازوداران دانسته‌اند که به واسطهٔ فراوانی درخت مازو(بلوط)، این نام را به خود گرفته و سپس به مازندران تغییر کرده است.

علاوه بر این، عده‌ای از مورخان و نویسندگان، ریشهٔ واژهٔ مازندران را از کلمهٔ «ماز» به معنی «دژ» می‌دانند. در تاریخ آمده است که مردم مازندران به فرمان «مازیار بن قارن»، سردار معروف تبرستان، برای جلوگیری از نفوذ اعراب، در نقاط حساس این منطقه به احداث «دژ» پرداختند و مازنداران را به صورت «ماز + اندر آن»، به معنی «دژ در آن» می‌شناختند. به گزارش «ابن اسفندیار»، مازندران در اصل «موز اندرون»، یعنی «ولایت درون کوه موز» بوده است. حجازی کناری می‌نویسد، بعید نیست که مازندران، (محل سکونت آریایی‌های مهاجر)، نام خود را از خدای خود، «ایندر» گرفته باشد. در این

صورت، مازندران از دو جزء «ماز» و «ایندر» تشکیل می‌شود. «ماز» به صورت‌های مز، مها، مهی و مزی به معنی بزرگ و «ایندر» نیز به صورت «اندر = andra»، نام خدای آنان بود. مجموع دو جزء «خدای بزرگ» و در تلفظ مازاندران یا مازندران، «سرزمین خدایان» یا «سرزمین خدا» را افاده می‌کند.

بنا به گزارش استاد پورداوود در کتاب «مزدیسنا»، در کتیبه شوش، نام قدیم مازندران، «پشتخوارگر» ذکر شده است؛ اما در ارتباط با واژه مازندران باید گفت که به عقیده «دارمستر» (زنه اوستا، جلد ۲، صفحه ۳۷۳)، صورت اصلی اصطلاح مازندران، «مزن‌تر» بوده که بعدها مازندران شده است و آن به معنی به سوی و جانب «مازن» است، مانند شوشتر به معنی، به سوی شوش.

همچنین گفته‌اند، مازندران اصلاً به «موزندرون» معروف بوده است؛ زیرا موز (Muz) نام کوهی است در حدود گیلان که تا تالار قصران امتداد داشته و چون این سرزمین در درون کوه موز واقع بوده، به این نام شهرت یافته است.

مازندران که در گذشته تبرستان نام داشت، قسمتی از ایالت قدیم «قرشوادگر» به شمار می‌رفت که این ایالت شامل آذربایجان، آهار، تبرستان، گیلان، دیلم، روی، قومس، دامغان و گرگان بوده است. نام تبرستان هنگام حمله مغول و حکومت سلجوقیان به تدریج متروک گشته و نام مازندران معمول گردید.

سابقه تاریخی سکونت در استان مازندران

در بررسی های به عمل آمده از غار «کمر بند» و «هوتو» (در بهشهر)، مشخص می شود که شرایط زندگی انسان های دوره پارینه سنگی میانه و جدید در این استان نظیر دیگر مناطق فلات ایران بوده است. در این دوره ها انسان های اولیه در کوه پایه ها و دامنه های شمالی البرز و هر جا که آب و هوا مساعدتر بوده، به شکار و گردآوری خوراک می پرداختند و برای داشتن امنیت و آرامش بیشتر، در غارها (از جمله غاری که در سال ۱۳۶۹ در کنار جاده نکا - بهشهر در جنوب غربی روستای «خانه سر» کشف شد) به سر می بردند.

وجود آثار دوران نوسنگی (عصر حجر (سنگ)، مربوط به دوره ای است که پایان آن ها ۸۰۰۰ سال قبل بوده است)، در شرق مازندران، از تحولات زندگی مردم در این استان حکایت دارد. مردم این سرزمین که همانند بعضی از مردم ساکن فلات ایران، توانسته بودند چارپایان را رام و اهلی کنند، به تدریج به سوی دره ها و جلگه ها و خاک های آبرفتی حاصلخیز کشیده شدند و با آغاز کشاورزی، در زندگی خود تحولی ایجاد کردند. با بهتر شدن شرایط زندگی، اعم از غذا، مسکن و شرایط مساعد آب و هوا، به تعداد جمعیت آن ها نیز افزوده شد.

در ارتباط با ساکنین اصلی سرزمین مازندران باید گفت که مازندران در آغاز جایگاه دیوان مزنی یا بومیان اصلی بوده است و در ظاهر، خود مازندرانی های آریایی و مهاجر در آنجا بیگانه به شمار

می‌رفته‌اند. نام و نشان کهن فرمانروایان مازندران را از دورهٔ اردشیر بابکان باید جست‌وجو کرد.

«هفت‌خوان رستم و دیو سفید» که شاهکار شاعر توانای ایران، فردوسی است، بر اثر ملاقات فردوسی با یکی از معروف‌ترین حکمرانان آل باوند، اسپهبد شهریار مایه گرفته است و ملاقات این دو را نظامی عروضی به تفصیل نوشته است.

گویش مازندرانی

پژوهشگران، گویش مازندران را به چهار لهجهٔ اصلی به صورت زیر طبقه‌بندی کرده‌اند.

۱- لهجهٔ شهرهای رامسر، تنکابن، کلاردشت، چالوس و نوشهر

۲- لهجهٔ شهرهای آمل، نور و محمودآباد

۳- لهجهٔ شهرهای بابل، قائم شهر، سوادکوه و ساری

۴- لهجهٔ شهرهای نکا و بهشهر

لهجه‌های مناطق ۲ و ۳ و ۴ را به یکدیگر نزدیک‌تر دانسته و گفته‌اند که لهجهٔ منطقهٔ یک بیشتر به گیلکی ارمنستان گیلان نزدیک است.

گویش‌های کجور

در منطقهٔ کجور، دو گویش اصلی و ریشه‌دار منسوب به دو قومیت ایل و گیل از هم متمایز می‌شوند. گویش گیلکی که گویش مردم بومی منطقه است، به قدمت تاریخ مازندران و کجور سابقه دارد.

گویش کلی که در این منطقه به طور عمده به خواجهوندی شهرت دارد، گویش طوایف مختلف خواجهوند است و آغاز آن در این منطقه، به زمان مهاجرت این طوایف به کجور برمی گردد.